

## پاسخی به سوال آزادی بیان:

محمد آسنگران

**آزادی بیان: آیا کمونیستها و آزادیخواهان باید آزادی فعالیت دار و دسته های مسلح، سازمانها و باندهای باند سیاهی مذهبی و قومی دفاع کنند؟**

**محمد آسنگران:** پاسخ من مثبت است. بله هر کدام از این جریانها تا هنگامیکه علیه مردم و آزادیهای مردم اقدامی عملی نکرده باشند حق فعالیت سیاسی و آزادی بیان دارند. هر کسی به این بهانه که مذهبی هستند و دارو دسته هستند و ناسیونالیست و قومپرست هستند و... مانع فعالیت آنها بشود یک دیکتاتور بیش نیست. آزادی بدون قید و شرط سیاسی و بیان معنیش همین است که مخالفت بتواند حرفش را بزند و فعالیت کند. اگر آزادی فقط برای موافقین باشد اسمش آزادی نیست خفقان و دیکتاتوری است. اگر جریانی دست به اسلحه برد و مانع آزادی بیان کس دیگری شد آن وقت داستان چیز دیگری است و باید مانعش شد. طبق برنامه یک دنیای بهتر همه جریانات و فرقه ها و دارو دسته ها و احزاب سیاسی و... حق آزادی بیان و فعالیت دارند. نباید به جرم اینکه طرف مذهبی یا قومگرا و یا ناسیونالیست است فعالیتش منع و یا حتی محدود شود. چون با همین استدلال در قدم اول فعالیت کمونیستها و کارگران منع میشود زیرا خواهند گفت تو دارو دسته هستی، مغلظم هستی، علیه منافع ملی هستی و ضد خدا هستی و... ما باید بدانیم مذهبها و ناسیونالیستها اتفاقا

همیشه آزادی بیان و فعالیتشان را داشته اند. اگر در مقابل هم رقیب میشوند و شاخه ای شاخه دیگر را منع میکند همانند منع مجاهدین از جانب خمینی و... این ما هستیم باید از آزادی آنها هم دفاع کنیم. حتی داعش اگر فعالیت سیاسی میکرد و علیه مردم اقدام اجرایی و عملی نمیکرد نباید آزادی بیان و فعالیتش منع میشد. در جمهوری سوسیالیستی نه تنها مردم و همه جریانات سیاسی بلکه جریانات ارتجاعی و مذهبی و قومی و ملی و... همگی در فعالیت سیاسی خود آزاد هستند و من از آزادی بیان آنها صد در صد دفاع میکنم. این کمونیسم ما است. کمونیسم کارگری. بله میدانم به بهانه های زیادی کمونیستهای بورژوازی آزادی فعالیت و بیان کسان دیگر را منع کردند و دیکتاتور شدند و ما امروز باید تاوان اعمال آن کمونیستهای بورژوازی را پس بدهیم. حتی فعالیت مسلحانه مجاهدین تا وقتیکه خودش با جمهوری اسلامی میجنگد ما مخالفتی با آزادی فعالیت آنها نداشتیم و نباید میداشتیم. نقد ما به سیاست حاکم بر سازمان مجاهدین و سیاست حاکم بر جنگ مسلحانه آنها بود نه به اسلحه آنها. ما نباید مانع فعالیت هیچ جریانی بشویم تا هنگامیکه آنها مانع آزادی و فعالیت کس دیگری نشده اند. مخالفت و نقد موضوع دیگری است. امروز هم اگر بخواهند مثل اوایل فعالیت مسلحانه خودشان با رژیم بجنگند و عامل و نوکر دولتهای مرتجع نشوند باز هم از نظر ما حق فعالیت آنها نباید

صفحه ۲

## جایگاه مجاهدین در تحولات سیاسی ایران

نگاه روز با علی جوادی

سالانه ای اصولا سیاست گذاری، بحث و تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات سیاسی نیست. قرار نیست در این نشست ها قطعنامه و قرارهای های سیاسی در زمینه چگونگی پیشبرد مبارزات گسترده و عدیده اجتماعی به رای گذاشته شود. قرار نیست در این نشست ها سمینار و کنفرانسی برگزار شود. این نشست سالانه يك فرقه مذهبی است. این نشست سالانه نیرویی از جنس کنتررا است. مراسمشان هم طبیعتا شکل و شمایل اهداف فرقه ای مورد نظر این جریان را دنبال میکنند.

این مراسم "پر سر و صدا" بود چرا که اصولا "سر و صدا"، نه تبلیغ و ترویج، نه روشنگری و آگاهی سیاسی، نه سازماندهی، نه رهبری سیاسی اعتراض و اعتصابتها اهرم فعالیت این فرقه مذهبی است. سر و صدایی که قرار است زمینه های دریافت "اعتبارنامه" سیاسی این

صفحه ۲

صفتی که برشمردید بپردازم. این مراسم "پر جمعیت" بود، اما اکثریت قریب به اتفاق جمعیت حاضر در این مراسم فعالین سیاسی هیچ عرصه خاصی از مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادیهای بی قید و شرط سیاسی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادی و برابری بی قید و شرط زن و مرد در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش جدایی دین از دولت، سکولاریسم و مذهب زدایی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش خلاصی فرهنگی و خلاصی از نکتت عقب ماندگی و تحجر فرهنگی و اجتماعی در جامعه نیستند. نه! جمعیت خاموشی اند که نظر به امکانات سازمانی و قدرت مالی این جریان در يك سالن گرد آورده شده اند.

این مراسم "پر زرق و برق" بود چرا که هدف چنین مراسم و نشست

**نگاه روز:** گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین- اول ژوئیه، ۱۰ تیر، با حضور تعدادی از چهره های سیاسی از کشورهای مختلف از جمله رودی جولیان، شهردار سابق نیویورک و مشاور غیررسمی دونالد ترامپ و همچنین ترکی فیصل، رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی، در پاریس پایتخت فرانسه برگزار شد. نظر علی جوادی را در باره این نشست و پیامدهای سیاسی آن جویا می شویم.

نگاه روز: نشست سالانه سازمان مجاهدین پر سر و صدا، پر زرق و برق و پر جمعیت برگزار می شود. آیا همین عمل سازمان مجاهدین نشان نمی دهد این سازمان نیروی اصلی اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی است؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! بهیچوجه! اجازه دهید به تک تک این

**اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران:**  
**پیرامون بازدید مهندسی شده سفرای کشورهای خارجی از زندان اوین نمی توانید مردم جهان را فریب بدهید!**

صفحه ۳

**"کار یا بیمه بیکاری" پاسخ سر راست کارگران به طرح کارورزی**

صفحه ۳

جوآنمیر مرادی

**اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان**

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

**حقایق را از شما پنهان کردند؛  
نامه گلرخ ایرایی و آتنا دائمی به سفرای بازدید کننده از زندان اوین**

صفحه ۵

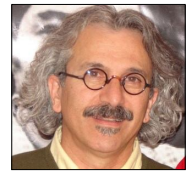
**آیا مذهب صلح جامعه را به خطر می اندازد؟**

صفحه ۶

مینا احدی

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## از صفحه ۱ جایگاه مجاهدین در ...



علی جوادی

جریان به عنوان "الترناتیو" فردای ایران را از آمریکا و متحدین منطقه ای اش تامین کند.

برگزاری چنین مراسمهایی اصولاً نشاندهنده قدرت این فرقه مذهبی پمشابه یک نیروی "اپوزیسیون" نیست. اگر بخواهیم از اجرای چنین نمایشهایی نتیجه گیری ای بکنیم شاید باید گفت که مجاهدین راه و چاه و فوت و فن اجرای مراسمی از جنس کنسرت و رقص و آواز را خوب فرا گرفته اند. شاید بتوانند فردا در یک وادی در خاک عربستان دفتر اجرای چنین کنسرتی را باز کنند. اما اطلاعات "نیروی اصلی اپوزیسیون" به این جریان بیشتر یک مزاح سیاسی است. این جریان نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. یک نیروی اجتماعی و سیاسی نیست. یک فرقه مذهبی است که راه و رسم تظلم چهره های اولترا راست و مترجع را خوب فرا گرفته است. همین!

**نگاه روز:** سازمان مجاهدین مخالف سرسخت جمهوری اسلامی است آیا شایسته حمایت از سوی همه جریانات سرنگونی طلب نیست؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! اجازه دهید اشاره مختصری به سابقه سیاسی این جریان بکنم، شاید بتوان معنای واقعی "مخالفت" این جریان با حکومت اسلامی را بهتر درک کرد. واقعیت این است که مجاهدین هیچگاه قائم به ذات و بنا به تعریف هویتی خود، ضد حکومت اسلامی و مبانی سیاسی، عقیدتی و هویتی ضد انقلاب اسلامی حاکم در ایران نبودند. در دوره های شکل گیری و قوام ارتجاع اسلامی در ایران، این جریان در کنار حاکمیت اسلامی بود. خمینی "رهبرشان" بود، طالقانی "پدرشان" و بنی صدر "متحد" سیاسی شان. در زمانی با

التماس و استدعا، رجوی و خیابانی، به ملاقات خمینی رفتند و آمادگی خود را برای همکاری و به بازی گرفته شدن اعلام کردند. این جریان بطور همه جانبه ای از جناح بنی صدر در راس قوه مجریه حکومت اسلامی دفاع میکرد. و زمانی که دعوی جناحهای حکومتی منجر به حذف بنی صدر از حاکمیت اسلامی شد، این جریان هم از حواشی حاکمیت رانده و به "اپوزیسیون" سوق داده شد و به دنبال آن، سیاست و تاکتیک ترور و عملیات انتحاری اسلامی را در دستور سازمانی خود قرار داد. اگر "انحصار طلبی" جریان خمینی و باندش نبود، این جریان کماکان در کنار بنی صدر و حاکمیت اسلامی قرار داشت. مخالفت خوانی امروز سازمان مجاهدین، نتیجه بلافصل سیاستهایشان در قبال یک نیروی ارتجاعی و آدمکش اسلامی نیست.

اما وضعیت امروز این جریان نسبت به گذشته نه چندان دورشان کاملاً متفاوت است. این جریان تنها یک نیروی سیاسی راست و مذهبی نیست، بلکه نیروی عمیقاً مخرب و ضد اجتماعی است. یک نیروی سناریو سیاهی است. یک نیروی ضد آزادی و ضد برابری است. نه تنها کوچکترین حمایتی از این جریان مجاز نیست، بلکه نیرویی است که عمیقاً باید افشاء و طرد شود. یک شرط مبارزه انسانی و انقلابی علیه حکومت اسلامی، طرد این سازمان و واکنش کردن جامعه در مقابل تحركات مخرب جریانات این چنینی است.

و باید اضافه کنم که شاخص و معیار ما در حمایت از نیروها و فعالین سیاسی جامعه، یک شاخص سیاسی و اصولی است. ما نیروهای مخرب قوم پرست و فرقه های مذهبی جامعه را افشاء و نقد میکنیم. ما هیچگونه حمایتی از نیروهای دست راستی و ارتجاعی جنبش ناسیونالیسم پرو غربی که بعضاً بر علیه رژیم اسلامی هم مبارزه میکنند، نمیکنیم. ما نیروهای رنگارنگ جنبش ملی-اسلامی را که خرده انتقاداتی به زیاده روی جناح حاکم اسلامی دارند، را افشاء و نقد میکنیم. شاخص ما امر آزادی و برابری و

سعادت جامعه است، ما دست همه فعالین اجتماعی در عرصه های متفاوت این جنبش عظیم را میفشاریم. ما مردم را به اردوی عظیم کمونیسم کارگری، اردوی عظیم آزادی و برابری و رهایی انسان فرامیخوانیم.

**نگاه روز:** شخصیت های سیاسی شرکت کننده در این نشست از جمله نماینده غیر رسمی ترامپ و وزیر اطلاعات سابق اطلاعات عریستان را چگونه بررسی می کنید؟

**علی جوادی:** بسیار روشن است. این جمعی از کثیف ترین و مرتجع ترین نیروهای دول سرمایه داری غرب و متحدین عقب مانده و عشیرتی منطقه ای آن هستند. به همان اندازه جمهوری اسلامی کثیف و ضد انسانی و بعضاً متحجرند. جدال و کشمکش این جریانات با جمهوری اسلامی ذره ای، هیچ ذره ای از آزادیخواهی و برابری طلبی را نمایندگی نمیکند. جدال این جریانات، جدال دو قطب تروریسم بین المللی و یکی از معضلات عظیم بشریت امروز است. جامعه بشری تنها با خلاصی از شر هر دو سوی این جدال ارتجاعی روی خوشی و سعادت را خواهد دید.

از طرف دیگر، شما نمیتوانید در کشور "خود" نماینده ضد انسانی ترین گرایشات باشید، مهره ای اساسی در جنبش نئوفاشیسم حاضر باشید، ضد زن و ضد آزادیخواهی و ضد مهاجر باشید، اما در گوشه ای دیگر به صف آزادیخواهی تعلق داشته باشید. ترامپ و جولیان و جان بولتن همه جا ارتجاعی اند. چنین وارونگی و دوگانگی یک غیر ممکن ریاضی است. واقعی نیست. عملی نیست. به همین اعتبار اگر به دوستان و آشنایان مجاهدین نگاه کنید، به سادگی در می یابید که تصویرشان از آینده و تغییرات احتمالی در ایران چیست؟ می بینید که متحدین بین المللی شان چه کسانی هستند؟ می بینید که این جریان کوچکترین ربطی به بشریت متمدن در سطح بین

## از صفحه ۱ پاسخی به سوال ...



محمد آسنگران

محدود شود. نقد ما به سیاست جریان مهتدی و سیاست حاکم بر

المللی ندارد. می بینید که این جریان در کنار دشمنان کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی و در کنار اردوی میلیتاریسم و قلدری و زورگویی قرار دارد. سگ شکاری بیان گویایی برای توصیف خصلت و نقش سیاسی مجاهدین در تحولات آتی است.

مجاهدین به دنبال دریافت اعتبار نامه "الترناتیو" حکومت اسلامی از دولتهای قلدر و زورگوی سرمایه داری غرب و متحدین منطقه ای اش هستند. از این رو، چنین جماعت و ترکیبی را در جلسه سالانه آنها می بینیم. همانطور که اشاره کردم، این جریان قرار نیست، اعتبار نامه خود را از رهبران جنبش کارگری، فعالین ورهبران جنبش آزادی و برابری زن و مرد، از فعالین جنبش آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، از فعالین جنبش لغو بساط اعدام و قتل عمد دولتی دریافت کند. در سناریوی این جریانات، آمریکا و متحدین منطقه ای اش و مشخصاً عربستان سعودی باید اعتبار نامه "الترناتیو" این جریان را امضاء کنند. همین بس! اما در همین چهارچوب هم دچار اشتباه محاسبه عظیم شده اند. نه این جریانات دارای چنین قدرتی هستند که با امضای اعتبار نامه مجاهدین به عنوان "الترناتیو" راه این جریان را برای قدرت گیری فراهم کنند و نه جامعه و نه ما اجازه خواهیم داد.

**نگاه روز:** آیا پیروزی قطعی مبارزات مردم و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی با وجود نیروهایی چون مجاهدین و احزاب دیگر که در زیر پرچم ترامپ رژه می

فعالیت مسلحانه آنها است نه به اینکه چرا اسلحه دارند و چرا با رژیم میجنگند. تفکیک و معنی جداگانه این مسائل اگر درک نشود و به جای نقد کسی بخواهد مانع فعالیت آنها و آزادی بیان آنها بشود، همان اتفاقی خواهد افتاد که استالین آنرا خلق کرد. \*\*\*

روند ممکن است؟

**علی جوادی:** قطعاً. اگر ممکن نبود، من و شما و جنبشی به عظمت اجتماع هر روزه، چه آشکار و چه پنهان، در پهنای جامعه در جریان نبود. آنچه که بنظر من کمتر ممکن است، آنچه کمتر شانس دارد، تکرار سناریوی خونین عراق در جامعه ایران و نقش آفرینی جریاناتی امثال مجاهدین است. واقعیت این است که سرنوشت آتی جامعه را تلاقی جنبشهای اجتماعی اصلی جامعه، تقابل سه جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی تعیین میکند. مجاهدین جایی در این معادله تعیین سرنوشت آتی جامعه ندارند. بزگر گله ملی - اسلامی اند، اما بزی که از خانه و کاشانه خود نیز طرد شده است.

بعلاوه جامعه تیمارستان نیست که در پیروسه سرنگونی حکومت اسلامی به نیروی اسلامی دیگری امکان قدرتمندی دهد. جامعه ایران را نباید دست کم گرفت. بلوغ سیاسی و درجه رشد و آگاهی جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبی را نباید دست کم گرفت.

من عمیقاً معتقدم، و این یک باور دیرینه است، که جامعه میتواند علیرغم نقش مخرب نیروهایی مانند مجاهدین و جریانات قوم پرست و دستجات کثیف حزب الهی در پیشروی امر آزادی و برابری و خلاصی از کلیت نظام اسلامی به اهداف دیرینه خود که یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است، دست یابند. \*

یکشنبه ۱۸ تیر ۹۶

من عمیقاً معتقدم، و این یک باور دیرینه است، که جامعه میتواند علیرغم نقش مخرب نیروهایی مانند مجاهدین و جریانات قوم پرست و دستجات کثیف حزب الهی در پیشروی امر آزادی و برابری و خلاصی از کلیت نظام اسلامی به اهداف دیرینه خود که یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است، دست یابند.

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران:

پیرامون بازدید مهندسی شده  
سفرای کشورهای خارجی از زندان اوین  
نمی‌توانید مردم جهان را فریب بدهید!

روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه، برابر با ۵ جولای، به دعوت امور بین‌الملل ستاد حقوق بشر- قوه قضاییه در نمایشی مضحک و مشتمل کننده، تعدادی از سفرای کشورهای خارجی را برای بازدید مهندسی شده از زندان اوین گرد آوردند.

این اقدام بیش از هر چیز گواه این است که جمهوری اسلامی به دلیل بیش از سه دهه رفتار فوق خشن و جنایتکارانه با مخالفان سیاسی خود، در افکار عمومی جهان شدت رسوا و تحت فشار است. این نمایش تهوع‌آور چیزی بجز استیصال جمهوری اسلامی در برابر وجدان آگاه و بیدار جهان متدین نیست. جمهوری اسلامی نمی‌تواند در پس این بازی کشیف دیپلماتیک دستان خونین خود را پنهان سازد. مردم ایران بخوبی از ماهیت جمهوری اسلامی و زندانهای بیشمار، آشکار و نهانش باخبرند. این نمایش صرفاً ارزش مصرف خارجی دارد و برای فریب افکار عمومی خارج از کشور مهندسی شده است.

محکومیت مستمر جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی، سازمان عفو بین‌الملل، سازمان ملل متحد بر هیچ کس پوشیده نیست. کمتر نهاد و مجمع مدافع حقوق انسانها، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای معتبر حقوقی در جهان یافت می‌شود که جمهوری اسلامی را به دلیل سرکوبهای خونین در زندانهای جمهوری اسلامی و از جمله در بدنام‌ترین و مخوف‌ترین آنها - زندان اوین- محکوم نکرده باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیرماه ۱۳۹۶

۶ جولای ۲۰۱۷



## "کار یا بیمه بیکاری" پاسخ سر راست کارگران به طرح کارورزی



جوانمیر مرادی

فوق ارزان در ایران به خاطر نادیده گرفته شدن نرم‌های رسمیت یافته سرمایه داری بخشی از عواقب آن است. بدون تردید اگر نه فقط فارغ‌التحصیلان جویای کار، بلکه همه کارگران ایران ادعاهای کذب اشتغال زانی دولت که امروز بهانه کرده‌اند تا دو سال فارغ‌التحصیلان جویای کار را مجانی در اختیار کارفرمایان قرار دهند، واقعی تلقی کنند و تا دو سال کار نکنند و هیچ مبلغی از کارفرمایان دریافت نکنند، دو سال دیگر اقتصاد بحرانی تر از امروز و آمار بیکاران بسیار بیشتر از حالا خواهد بود.

اما پاسخ ما کارگران به این فریبکاری‌ها، حتی اگر برای یک لحظه بپذیریم که فریبکاری نیست و نیت خیر اشتغال زانی پشت چنین طرح‌هایی مستتر است، این است که دولت به عنوان در دست دارنده ثروت‌ها و منابع مالی عمومی مسئول مستقیم تأمین معیشت کلیه افراد فاقد سرمایه و ابزار تولید که اکثریت عظیم جامعه را شامل می‌گردد، شغل مناسب ایجاد کند و در غیر این صورت بیمه بیکاری مکفی به کلیه افراد بیکار جامعه بدون در نظر گرفتن اینکه سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد یا نه، در تمام دوره بیکاری پرداخت نماید. ایجاد شغل و وظیفه کارگر نیست، کارگر غیر از نیروی کارش چیزی برای تأمین سفره کم‌رونقش که هر روز به بهانه‌ای کارفرمایان و دولت حامی آنان گوشه ای از آن را به خاطر تضمین سود خود قیچی می‌کنند، ندارد. خواست ما کارگران بدون کمترین توجه و اهمیت دادنی به نیازهای تولید سود برای سرمایه داران و کارفرمایان، کار یا بیمه بیکاری است و بر این خواست تا تحقق آن پافشاری خواهیم کرد.

۲۰ / ۴ / ۱۳۹۶

نیست به دنبال سند و ادله برای اثبات دروغگوئی و فریبکاری دولتها که مدعی بوده و هستند اعمال این فشارها بر بخش‌های شاغل و بیکار طبقه کارگر به خاطر ایجاد اشتغال است، گشت. برای درک فریبکارانه بودن این ادعاها نیاز به تعمق زیاد و بررسی ریشه‌ای و به اصطلاح کار کارشناسانه نیست. کافی است نگاهی سطحی و گذرا به روند بلایائی که طی چهار دهه گذشته بر سر کارگران آورده شده است انداخته شود. هشت سال به بهانه جنگ با وجود افزایش صدها درصدی تورم و گرانی یک ریال به دستمزد کارگران افزوده نشد، هشت سال بعد هم به بهانه سازندگی بعد از جنگ تورم و گرانی بیش از دوره قبل شد و سهم کارگران باز هم فقیرتر شدن و تشدید اخراج سازنها شد. دوره‌های بعد و تا امروز نیز که دیگر فریاد فقر و بدبختی و بیکاری در برابر دزدی‌ها و غارت ثروت و اموال عمومی به فلک رسیده است. امروز هر کارگری چه شاغل و چه بیکار می‌داند که علت تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی و مراکز دیگر صنعتی ارزان نبودن دستمزد یا مفت کار نکردن یا به اصطلاح دولتیان ایثار نکردن کارگر نیست. کارگر با دستمزد چهار برابر زیر خط فقر آن هم در سال دو بار تا سه بار بیشتر یعنی دو سه ماه در سال بیشتر حقوق نمی‌گیرد و همیشه «نه‌الی ده» ماه در سال چیزی دریافت نمی‌کند. در نتیجه بخش بیشتر دستمزدش در حساب‌های بانکی کارفرما بلوکه شده و منبع یاد آورده‌ای برای کسب سودهای هنگفت بانکی می‌گردد یا در جاهای دیگری مخصوصاً بخش تجاری سرمایه‌گذاری می‌شود اما خبری از ایجاد اشتغال نیست و هر روز بر تعداد بیکاران و بیکارشدگان از کار افزوده می‌گردد.

قبل از این طرح، طرح‌هایی دیگری در قالب قانون، بخشنامه و دستورالعمل‌های چپاولگرانه و ضد کارگری دیگری نظیر حذف کارگران شاغل در کارگاه‌های با تعداد کارگر زیر ده نفره از شمول قانون ضد کارگری جاری قانون کار، تفاهمنامه میان سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار در سال ۱۳۸۴ که کارگران مراکز کارگری دارای ماهیت غیر مستمر مانند کارگران پروژه‌ای که اتفاقاً ناچار به کار در سخت‌ترین و ناامن‌ترین شرایط کار و زندگی اردوگاهی‌ای که در پروژه‌های ایران رایج است و مورد بیشترین میزان بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند را از دریافت بیمه بیکاری بعد از اخراج محروم ساخت، طرح دوران پیشه‌وری ماقبل ظهور صنعت مدرن استاد شاکردی به بهانه رونق تولید برای ایجاد اشتغال نیز تصویب و به اجرا گذاشته شدند تا حاصل آن امروز برای کارگران فقر و فلاکت و بیکاری و بلایای ناشی از آن باشد و در ازای آن منابع عظیم ثروت برای دزدی‌ها و اختلاس‌های پی‌پی‌هزاران میلیارد تومانی در خدمت چپاولگران و غارتگران ایجاد گردد.

طرح اعمال بیکاری بر کارگران تحصیل کرده و جوان مدتی است توسط دولت به اجرا گذاشته شده است تا از این طریق منبع عظیمی از تولید سود و سرمایه به طور رایگان در اختیار اربابان صاحب کارخانه و ابزار تولید قرار گیرد. طرح قرون وسطائی کارورزی اشتغال جوانان (کاج) یا به بیان ساده تر طرح بیکاری کشیدن دوران اشرافیت فتوئالی، آخرین طرح مرسوم دوره‌های پیشا سرمایه داری به اجرا گذاشته شده تا به امروز در ایران است که چپاول‌تتمه و آخرین رمق‌های ده‌ها میلیون انسان محروم و فعلاً شاغل با دستمزد چهار برابر زیر خط فقر و همچنین نیروی مفت و مجانی تازه نفس انسان‌های سرگردان جویای کار را هدف قرار داده تا با آن حرکت چرخ تولید سیستم اقتصاد بحران زده را چند صباحی دیگر لنگان، لنگان ادامه دهند.

قبل از این طرح، طرح‌هایی دیگری در قالب قانون، بخشنامه و دستورالعمل‌های چپاولگرانه و ضد کارگری دیگری نظیر حذف کارگران شاغل در کارگاه‌های با تعداد کارگر زیر ده نفره از شمول قانون ضد کارگری جاری قانون کار، تفاهمنامه میان سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار در سال ۱۳۸۴ که کارگران مراکز کارگری دارای ماهیت غیر مستمر مانند کارگران پروژه‌ای که اتفاقاً ناچار به کار در سخت‌ترین و ناامن‌ترین شرایط کار و زندگی اردوگاهی‌ای که در پروژه‌های ایران رایج است و مورد بیشترین میزان بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند را از دریافت بیمه بیکاری بعد از اخراج محروم ساخت، طرح دوران پیشه‌وری ماقبل ظهور صنعت مدرن استاد شاکردی به بهانه رونق تولید برای ایجاد اشتغال نیز تصویب و به اجرا گذاشته شدند تا حاصل آن امروز برای کارگران فقر و فلاکت و بیکاری و بلایای ناشی از آن باشد و در ازای آن منابع عظیم ثروت برای دزدی‌ها و اختلاس‌های پی‌پی‌هزاران میلیارد تومانی در خدمت چپاولگران و غارتگران ایجاد گردد.

بعد از نزدیک به چهار دهه لازم



## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

### اعدام یک زن در رشت

صبح روز شنبه ۱۰ تیرماه، یک زن زندانی به همراه همسرش در زندان مرکزی رشت اعدام شد. هویت زندانیان اعلام نشده است. آنها از روز پنجشنبه ۸ تیرماه به سلولهای انفرادی منتقل شده بودند.

### طاهره ایرانی، مادر گلرخ ایرانی از سوی مأموران اطلاعات سپاه تهدید به بازداشت شد.

ضابطین سپاه طی تماسی با مادر گلرخ ایرانی، وی را تهدید کردند که در صورت مصاحبه و یا هرگونه اطلاع رسانی در خصوص وضعیت دخترش، او را بازداشت خواهند کرد.

### مشکلات بهداشتی و آخرین لیست زندانیان بند زنان زندان اوین

در بند زنان زندان اوین موسوم به بند نسوان که بسیاری از زندانیان آن مادرانی رنج کشیده هستند، زندانیان سیاسی-امنیتی بدون امکان برقراری تماس تلفنی مناسب در شرایط نامناسب بهداشتی محیطی که منجر به بیماری های پوستی و زنان شده است، نگهداری می شوند، ملاقاتهای آنها محدود است و مشکلات محیطی بسیاری در این محل به چشم میخورد، گزارش پیش رو به اسامی، وضعیت و اتهامات ۲۳ زن زندانی سیاسی امنیتی که در حال حاضر در این بند ساکن هستند اختصاص دارد.

آفرین چیت ساز، زهرا شریفی، مریم (نسیم) نقاش زرگران، آتنا دانشی، نوشین دخت میر عبدالباقی، نرگس محمدی، مریم اکبری منفرد، فاطمه مشنی، زهرا زهتاب چی، مهوش شهریاری ثابت، فریبا کمال آبادی، الهام برمکی، رویا صابری نژاد نوبخت، نگارا (افشارزاده) کریم اوا، الهام فراهانی، مریم النگی، آریتا رفیع زاده، نسیم باقری، گلرخ ابراهیمی ایرانی، ستوده فاضل، آفرین نیساری، شیرین ارشادی، رسامیه کولولوا

فرشته عزیزاده ۱۸ تیر دستگیر و ناپدید شد. مادرش از غصه سکنه کرد و مرد، خودش را گفتند زیر شکنجه جان سپرد و درخاوران دفن شد.

### نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۱۲ درصد است

معاون دفتر امور اقتصادی استانداری استان مرکزی گفته نرخ مشارکت اقتصادی زنان در این استان بین ۶ تا ۷ درصد و در کل کشور ۱۲ درصد است. به گفته این مردان در اولویت قرار می گیرند. درباره آمار دارندگان کارت بازرگانی در استان مرکزی گفته است که ۱۲۰۰ نفر در این استان کارت بازرگانی دارند که تنها ۱۰۹ نفر آنها زن هستند و از این تعداد تنها ۳۲ کارت فعال است.

### زنان کارتن خواب نوزادانشان را می فروشند

فقر و ناداری، زنان کارتن خواب را به فروش کودکان شان واداشته است. فاطمه دانشور از شورای شهر تهران در این باره گفت: زنان کارتن خواب به هنگام زایمان به برخی از بیمارستانهای جنوب و مرکز شهر مراجعه و پس از به دنیا آمدن نوزاد با دریافت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بچه خود را می فروشند.

### سن شیوع مصرف مواد مخدر بین زنان به رده سنی ۱۶ تا ۲۹ سال رسید

رئیس مرکز پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی اعتراف کرد که میانگین سن شیوع مصرف مواد مخدر بین زنان که در رده سنی ۱۶ تا ۲۹ سال بوده پایین آمده و به ۲۳ سال رسیده است. فرید براتی سده روز ۱۷ تیر ۹۶ اظهار داشت: «در آمار سالهای گذشته ۹ تا ۱۰ درصد از جمعیت معتادان کشور را زنان تشکیل می دادند که در شیوع شناسی اخیر این میزان به ۱۲ تا ۱۳ درصد افزایش یافته است.

دادستان عمومی و انقلاب قم اعلام کرد که طرح نظارت بر عفاف و حجاب با همکاری بسیج و نیروی انتظامی در قم تشدید می شود.

### حجاب زنان باعث افت اقتصادی

آخوند علم الهدی نماینده خامنه ای در مشهد، بی حجابی زنان را باعث مشکلات اقتصادی در کشور دانست.

وی در جریان کلیپ ویدئویی که ۶ تیرماه بر روی محیط های اجتماعی در اینترنت منتشر شد گفت: «جریان اقتصاد ما از ساپورت پوشی زن ها و دخترها صدمه می بیند! ما امروز اگر در اقتصادمان دچار چالش و مشکل هستیم، در کدام اقتصاد دچار مشکلیم؟ و کی مقاومت اقتصادی می آید؟ وقتی که فرهنگ حاکم باشد و ساپورت پوشی این دختر لایالی، با آن زن لایالی و بی باک، و بی حجابی آن زن بی باک باعث می شود که ما در اقتصاد مشکل پیدا کنیم.

### قتل دختری بدست برادرش

نرگس علی شجاعی، دختر ۱۷ ساله ساکن یکی از روستاهای بهیان در پی مقاومت و تن ندادن به ازدواج اجباری، توسط برادر خود با شلیک گلوله به قتل رسید.

### زهرا علی دوستی

زهرا علی دوستی دانشجوی اهل ایلام شب پنجشنبه ۸ تیرماه در خوابگاه دانشگاه کردستان به قتل رسید. وی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فیزیک بود. هنوز علت اصلی قتل این دختر دانشجو

مشخص نشده است. غیر از این مورد طی سالهای ۹۱ تا ۹۶، چهار دانشجوی دختر از کردستان در دانشگاه های ایران کشته شده اند. هویت آنها، سیران مجیدی دانشجوی دانشگاه تهران، سحر چوینی دانشجوی دانشگاه همدان، شیدا حاتمی دانشجوی دانشگاه ارومیه و شیلا روشندل دانشجوی دانشگاه ارومیه اعلام شده است.

### چهارمین مورد هفته اخیر؛ خودکشی دختر ۱۵ ساله در نیشابور

خودکشی یک دختر نوجوان در خانه توسط نیروهای نجات ناکام ماند. طی روزهای گذشته دست کم سه دختر ۱۵ ساله دیگر در لاهیجان، اهواز و گچساران دست به خودکشی زدند. سهم نوجوانان در ایران از خودکشی های سالانه بیش از ۷ درصد از سوی پزشکی قانونی اعلام شده است.

### خودکشی در آمل

روز سه شنبه ۱۳ تیر ۹۶، یک زن ۳۶ ساله در یکی از روستاهای آمل با ریختن بزمین به روی خود دست به خودسوزی زد. روز دوشنبه ۱۲ تیر، دختر جوانی از روی پل رو گزر راه آهن تبریز قصد خودکشی داشت که حاضرین مانع شدند.

### کردستان عراق - دهوک

ساعت چهار عصر روز سه شنبه یازدهم ژوئیه شش دختر دیگر ایزدی در شهر موصل نجات پیدا کردند که سه نفر آنان اهل تلقه سب و سه نفر دیگر اهل شنگال هستند. تا کنون چهار تن آنان به خانواده هایشان ملحق شده و دو تن دیگر بزودی به

خانواده هایشان ملحق خواهند شد

### بازداشت یک عضو اداره تحقیقات پاکستان به اتهام آزار جنسی زن افغانستانی در اسلام آباد

یکی از مسئولین اداره تحقیقات فدرال پاکستان، روز شنبه ۸ جولای ۲۰۱۷، به اتهام آزار و اذیت جنسی یک زن اهل افغانستان، در میدان هوایی اسلام آباد بازداشت شد.

### در ترکیه چند فعال حقوق بشر، از جمله مسئول عفو بین الملل، بازداشت شدند

مدیر مسئول شعبه عفو بین الملل در ترکیه به همراه چند کنشگر فعال در امور حقوق بشر در ترکیه بازداشت شدند. آنها در کنفرانسی راجع به مسائل حقوق بشر در شهر استانبول شرکت کرده بودند.

دو نفر از کارکنان سازمان عفو بین الملل، نماینده سازمان های حقوق بشری دیگر و دو مربی کارگاه آموزشی عفو بین الملل در استانبول دستگیر شدند. سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که ایدیل اسر، مدیرعامل شعبه این سازمان در ترکیه و یک شهروند آلمانی در میان دستگیرشدگان هستند.

سازمان حقوق بشری عفو بین الملل در بیانیه ای خبر داده است که یک مدرس سوئدی و همچنین رئیس هتلی که کنفرانس روز چهارشنبه (۱۴ تیر / ۵ ژوئیه) در آن برگزار شده بود نیز دستگیر شده اند. به خانواده افراد دستگیر شده درباره محل بازداشت این افراد هیچ اطلاعی داده نشده است.

\*\*\*



طرح سرکوب تابستانه زنان در قم، آغاز شد

۱۸ تیر: چه بر سر فرشته عزیزاده آمد؟

## حقایق را از شما پنهان کردند؛ نامه گلرخ ایرایی و آتنا دائمی به سفرای بازدید کننده از زندان اوین



با خبر شدیم چهارشنبه ۶۴ تیر ۹۶ برابر با ۵ جولای ۲۰۱۷، هیئتی متشکل از ۴۵ سفیر مقیم تهران از سوی سازمان زندان های ایران و نهاد حقوق بشر اسلامی دعوت به بازدید از زندان اوین شدند. طبیعی است که حتی اگر در منازلمان مهمانانی را دعوت نماییم خانه را به بهترین شکل ممکن زیبا خواهیم کرد و طبیعی ست که همان فضای رو بروی اجرای احکام کنونی زندان اوین که جایگاه اعدام و جوخه آتش زندانیان سیاسی در دهه شصت بوده حالا در سال ۹۶ تبدیل به محفل پذیرایی از ۴۵ سفیر شده است.

سلولهای معروف قبر را به شما نشان دادند؟ هواخوری های سر بسته و چشم بند و دستبند را چطور؟ طبق اظهارات روزنامه های داخل ایران شما بزرگواران از حسن شرایط زندانیان و فضای زندان شگفت زده بودید. با چند زندانی هم صحبت شدید؟ آیا شما را از تعداد بازداشتها، مدت انفرادی ها، نحوه بازجویی ها و انواع شکنجه های جسمی و روانی مطلع کردند؟ راستی چرا شما را به تنها بند زنان سیاسی زندان اوین یعنی همین جایی که ما به اجبار در آن ساکنیم نیاوردند؟ حتماً به شما هم گفته اند که اوین بند زنان ندارد.

آری دروغی به بزرگی همان دروغ که گفتند زندانی سیاسی ندارند. می دانیم که نمی توانستید و نمی توانید چون نمی خواستند و نمی خواهند که به پرورده های حتی تعدادی از زندانیان دسترسی داشته باشید تا متوجه عمق فاجعه در خصوص زندانیان شوید. پس ما هم به همان فضایی می پردازیم که شما را شگفت زده کرده است. آیا به شما گفتند که بند ۴ زندان که از آن بازدید کردید چگونه و توسط چه کسانی بازسازی و مجهز شده؟ لازم است بدانید همان زندانیانی که برای آن بند و ساخت آن هزینه های میلیونی پرداختند را روز حضور شما در زندان به بهانه های دادگاه و بیمارستان از بند خارج کرده و به انفرادی های دو-الف بردند و تا خروج شما از زندان در آنجا به اجبار ماندند که نه آنها شما را ببینند و نه شما آنها را. آیا به شما گفتند که آن بند هم بند زندانیان مالی ست هم زندانیان سیاسی و هم ارادل و اوباش؟ یک روز قبل از حضورتان در زندان اوین، ورود تمام روزنامه ها به

آن هم با ۳ در ۳ قفل روی آن بسته است و محاسبه کنید زمان باز شدن هر درب را پس از تماس ها و هماهنگی های لازم برای حضور سرباز و فک پلمپ. کاش می دیدید که چندین و چند زندانی به دلیل نبود تخت روی زمین و موکتهای حسینیه بندها و با کمترین فاصله از هم می خوابند. کاش کمی هم از غذایی که بین زندانیان پخش می کنند میل می کردید. آیا می دانید که ما زندانیان می بایست حتی لسنیات و سبزیجات و میوه و پروتئین را با هزینه خود و با قیمت های چند برابر از فروشگاه زندان خریداری کنیم؟ چرا که اندک جیره ماهانه مواد غذایی زندان فاسد و از تاریخ مصرفشان مدت ها گذشته است.

کاش برایتان شرح می دادند که چه ماهرانه از این طریق تجارتی کلان راه اندازی کرده و ماهانه میلیون ها سود می برند. و با این حال آیا به اطلاعاتتان رساندند که یک روز پیش از بازدیدتان از زندان، این بزرگترین زندان ایران خالی از هر نوع وسیله نقلیه بوده است؟ چرا که راننده های تاکسی های ویژه انتقال زندانیان به مراکز درمانی و دادگاهها به دلیل عدم دریافت چند ماه حقوق خود از زندان در اعتراض و اعتصاب بودند و در محل کار خود حاضر نشدند.

آیا شما را از وجود بندهای متروکه ۳۵۰ (بند سیاسی آقایان) یا بند روحانیت آگاه کردند؟ آیا برایتان گفته شده که چند زندانی تمام مدت حبسشان را در سلولهای انفرادی بازداشتگاه ها می گذرانند؟ افرادی همچون محمد علی طاهری که بیش از ۵ سال است که در سلولهای انفرادی دو-الف سپاه پاسداران به سر می برد. لازم است بدانید ما زندانیان این زندان برخلاف ادعای رییس سازمان زندان ها (مصطفی محبی) نه هر هفته بلکه ماهی یک بار می توانیم به صورت حضوری با خانواده هایمان ملاقات داشته باشیم.

شما بزرگواران به راحتی می توانستید از طریق تصاویر ماهواره ای از جغرافیای دقیق اوین مطلع شوید. می توانستید از طریق منابع موثق به گزارشات مختلف از بندهای اوین و زندان های ایران دسترسی یابید و حتی می توانستید با ذکر نام زندانیان سیاسی، سراغی

از آنها گرفته و درخواست ملاقات با آنها را دهید و با آگاهی قدم در این زندان و بازدید از آن گذارید.

حال که می بایست این مهم رخ می داد و نداد از شما سفرای محترم و می خواهیم در خوش نمایی ها از وضعیت زندان و زندانیان آن شریک نشوید و به صورت کاملاً سرزده به اوین و قرچک و فشافویه و رجایی شهر و سایر زندان های تهران و شهرستان های ایران بروید تا از آن تصویری حقیقی به دست آورید. ما تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی در زندان هستیم چون خواستیم تصویری حقیقی از وضعیت نا بسامان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم در این راه متحمل هزینه های سنگین شده ایم و خانواده هایمان نیز به طرق مختلف مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و حتی ما را از شما پنهان می کنند. ما که خواستیم حداقل بهبودی در شرایط زندان ها و برای زندانیان حاصل شود حال در زندانیم و شما سفرای گرمی به واسطه برنامه ای هدفمند و از پیش تعیین شده خواسته ما را به تعویق انداختید چرا که از شما و حضورتان در این بزرگترین زندان ایران یعنی اوین استفاده ابزاری شد تا در روزنامه هایشان تیتر بزنند: «برخی کشورها و رسانه ها تصویری دروغین و نا صحیح از زندان های ایران نشان می دهند» از شما دعوت کردنتا از شما استفاده کنند و بتوانند با نمایش و فریب گزارشهای نهادهای حقوق بشری و بین المللی از زندانهای ایران را بی پایه و اساس نام نهند. حال آنکه شما می توانستید و می توانید با تصویری حقیقی و نه نمایشی و نمادین از زندانهای جمهوری اسلامی ایران، بهبودی در شرایط آن حاصل فرمایید.

حال ما امضاکنندگان این نامه از شما دعوت می کنیم که از سازمان زندان های جمهوری اسلامی ایران و نهاد حقوق بشر اسلامی بخواهید تا به گزارشگر ویژه سازمان ملل خانم عاصمه جهانگیر اجازه ورود به ایران، بازدید از زندان ها و ملاقات با زندانیان سیاسی و فعالان اجتماعی را صادر کنند.

آتنا دائمی، گلرخ ایرایی

بند زنان زندان اوین

هفدهم تیرماه ۱۳۹۶

## آیا مذهب صلح جامعه را به خطر می اندازد؟



مینا احدی

اجباری در این چهارچوب به عنوان فرهنگ تعریف شده و بی ضرر جلوه داده میشوند وقتی نقض حقوق بشر به عنوان فرهنگ به رسمیت شناخته شود، حال قرار است با گذر از جامعه چند فرهنگی و یا مالتی کالترال در جامعه چند مذهبی و یا مولتی مذهبی چه چیزهایی بر سر مردم بیاورند.

مذهب باید یک امر خصوصی باشد که هرچه بیشتر و بیشتر به حاشیه جامعه رانده شود.

دولت آلمان و دوول اروپایی به مهاجرین و پناهندگان ابتدا یک هویت مذهبی میدهند و با این سیاست جهانشمولی حقوق انسانی را از آنها میگیرند. کدام جریان بیشترین استفاده را از این سیاست میبرد وقتی مذهب هویت اصلی پناهندگانی میشود که وارد جامعه مدرنی همچون آلمان میشوند-

بجای اینکه در این مورد فکر شود که چه مقدار مذهب پناهندگان لازم دارند، یا در آلمان چه میزان مذهب قابل قبول است باید برابری و حقوق

انسانی برای همه را تعریف کرده و از آن دفاع کنیم. و این فقط وقتی متحقق میشود که بررسی مذاهب در جامعه درست و دقیق به پیش برده شود. مذهب باید به عنوان یک امر خصوصی دیده شده و به همین عنوان دیده شود. نباید بدلیل سو تفاهم و یا سیاست و استراتژی آگاهانه مذهب را هر چه بیشتر و بیشتر به جامعه تحمیل کنند. در این مورد باید اضافه کنیم که این موضوع هم به کلیسا و مذاهب مرسوم در آلمان و هم به اسلام و بقیه مذاهب مربوط میشود.

شهروندان جدید در آلمان باید تا جایی که ممکن است در یک شرایط نئوترال در جامعه ادغام شوند در مقابل سیاست قبلی مربوط به پناهجویان که مبتنی بر مذهب بود ما در حال سازمان دادن به یک شبکه هستیم که هدفش سازمان دادن یک همبستگی سکولاریستی است. این

باید به شهروندان جدید امکان دهد که خود را در یک فضای کاملاً سکولار و نئوترال در جامعه ادغام کنند. در اینجا بیش از همه پناهندگان سکولار و آتئیست میتوانند نقش بازی کنند. که از آنها تعداد زیادی هم اکنون در آلمان و در هایم های پناهندگی هستند. همانطور که همه ما همه زنان و مردان و همچنین دختران و پسران امکان داریم که تحصیل کنیم، شغل مناسب پیدا کنیم و تفریح و دوستی و همسر خود را آزادانه انتخاب کنیم باید شهروندان جدید هم حقوق برابر با همه داشته و یک جامعه سیویل سازمان داده و اعلام کنیم یک قانون برای همه! یا پرنسپ یک قانون برای همه میتوان به مقابله با بسیاری از این معضلات برخاست.

بجای اینکه فراریان از کشورهای اسلام زده را با یک سیاست غلط از طرف نهادهای رسمی و یا مطبوعات به عنوان یک گروه همگن به نام مسلمان معرفی کرده که ظاهراً نوع دیگری زندگی میکنند و میتوان حقوق اولیه و انسانی را از آنها دریغ کرد.

حل مشکلات و مسائل در چهارچوب خانواده، کنار آمدن با ازدواج های تحمیلی، قبول کردن تحمیل حجاب به زنان و کودکان، و کنار آمدن با فرهنگ و اخلاقیاتی که همگی نشانه های ماقبل مدرنیته هستند، فقط در چهارچوب تعریف همه مردم بعنوان یک گروه همگن و خط زدن فردیت این افراد ممکن شده است. فرهنگ و روابطی که بر علیه جهانشمولی حقوق انسانی بوده و به هیچ وجه فرهنگ هایی نیستند که باید آنها را حفظ کرد.

کلمه مالتی کالترال یا چند فرهنگی فقط وقتی قابل دفاع است که هر کس بدون تبعیض و ترس از نابربری، خودش تصمیم بگیرد آیا با مذهب و یا بدون مذهب میخواهد زندگی کند، کدام کتابها را میخواند و یا نمیخواند، کدام منابع آزاد اطلاعاتی را استفاده میکنند و یا

اگر مذهب بعنوان هویت اصلی بشر به رسمیت شناخته شود این یک دلیل مهم خواهد بود برای تبعیض بین زن و مرد و آپارتاید و جدل و تنش اجتماعی!

بجای اینکه شهرها و خیابانها را به مردم متعلق به مذاهب مختلف تقسیم کنیم و بجای اینکه باز هم حقوق ویژه به مذاهب بدهیم ما باید بر مبنای پرنسپ رنسانس و انقلاب فرانسه و جهانشمولی حقوق انسانی حرکت کنیم یک قانون برای همه هر انسانی مستقل از زادگاهش یا تعلق مذهبی والدین اش، حرمت و حقوق انسانی غیر قابل تعرضی دارد. فقط این میتواند یک پایه و زمینه برای زندگی هارمونیک متحدانه باشد هر نوع هویت تراشی دیگر میتوانند زمینه ساز تبعیض جنسیتی و آپارتاید باشد.

\*\*\*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:  
Sveden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۷۵۰۲  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:  
Bank of America  
277 G street Blaine, Wa 98230  
phone# 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 41581083  
checking (99)  
wire: ABA routing #026009593  
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانی با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیری:  
0046739868051  
سپاسگزار: markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر  
Tel: 00358 405758250  
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم  
و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلا بی بیش نخواهد بود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!